

واکاوی علل عود در سوءمصرف کنندگان مواد بر اساس مؤلفه‌های معنایی - ارزشی زبان (تحلیل گفتمان موردی)

سهیلا پز شک زاد^۱، معصومه اسماعیلی^۲، کیومرث فرح‌بخش^۳، محمدرضا فلسفی‌نژاد^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۷

چکیده

هدف: عوامل زیادی، سوءمصرف مواد را به یک موضوع پیچیده و چندبعدی تبدیل نموده است. یکی از این عوامل، عود و بازگشت به سوءمصرف مواد می‌باشد. **روش:** پژوهش حاضر، یک مطالعه کیفی از نوع تحلیل گفتمان است. هدف از این تحقیق واکاوی علل عود در سوءمصرف کنندگان مواد بر اساس مؤلفه‌های معنایی ارزشی زبان می‌باشد. در این مطالعه، با استفاده از روش تحلیل لاکلا و موفه مفصل‌بندی‌های خاص موجود در گفتمان مشخص شد. بر اساس این الگو توصیفات و قرائت‌های مشارکت کنندگان پیرامون علل عود با استفاده از مصاحبه ساختار نیافته جمع آوری شد. مشارکت کنندگان افراد خود معرف به مراکز درمانی شهر اصفهان بودند و حداقل دو بار سابقه ترک داشتند و به شکل هدفمند انتخاب شدند. بعد از ۱۱ مصاحبه نمونه به حالت اشباع رسید. داده‌های موجود به روش تحلیل محتوا کدبندی شد. **یافته‌ها:** در این پژوهش مشخص شد: سوءمصرف کنندگان با هویت منفعل و تسلیم‌پذیر تحت تاثیر گفتمان حاکم در جامعه مصرف-کنندگان به ساختار شکنی و از بین بردن هژمونی گفتمان حاکم در جامعه می‌پردازند و در جنگ (ضدیت و غیرت) با مراجع حاکم مثل خانواده، مشاور و راهنما به دال مرکزی خود که همان سرلوحه قرار دادن مصرف مواد پناه برده و با شکل گرفتن دال تهی که همان دور شدن از صمیمیت، محبت و اعتماد است با ناکارآمدی، و بی کفایت شدن در جامعه به مصرف مجدد مواد و تثبیت معنای مصرف روی می‌آورند. **نتیجه‌گیری:** عود یک فرایند منفی شامل بازگشت مجدد به مواد می‌باشد که توسط ۲۰ تا ۹۰ درصد معتادان تجربه می‌شود. برای پیشگیری از عود مصرف مواد بهتر است در گفتمان‌های کلان جامعه و در نظام آموزشی، تربیتی و درمانی تغییراتی به وجود آورد.

کلید واژه‌ها: سوءمصرف مواد، عود و بازگشت، تحلیل گفتمان، زبان

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

soheilapezeshkzad@yahoo.com

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۴. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

مقدمه

اعتیاد به عنوان یکی از مشکلات بهداشتی، روانی و اجتماعی قرن حاضر می‌باشد (برسلو، هاو، بینگ، پاکولا، برنز و استین، ۲۰۱۷). منبع نگرانی بسیاری از جوامع بشری شده و شیوع آن با سرعت در جهان و ایران در حال افزایش است (نمازپور، رادفر، قوامی و شیخی، ۱۳۹۶). دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل^۱ در گزارش سال ۲۰۱۶ خود اعلام کرد که در سال ۲۰۱۴ در جهان ۲۴۷ میلیون نفر در جهان اقدام به استفاده از مواد مخدر کرده‌اند که ۲۹ میلیون نفر از آن‌ها وضعیتی وخیم دارند (فدوتو^۲، ۲۰۱۶). رشد اعتیاد در ایران نیز سالانه حدود هشت درصد است. در حالی که جمعیت سالانه حدود ۲/۶ درصد رشد می‌کند. بنابراین، سالانه بیش از ۳ برابر جمعیت رشد می‌کند (جعفری، امیدی و فهیمی، ۱۳۹۶).

سوءمصرف مواد با کاهش کیفیت زندگی، افزایش میزان مرگ و میر، تقلیل در ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و افزایش رفتارهای مجرمانه، یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با سلامت قرار گرفته است (اوزدل و ایکنسی^۴، ۲۰۱۴). اختلالات روان‌پزشکی همراه با اعتیاد تأثیرات مخربی را بر سلامت جسمانی، روان‌شناختی، خانوادگی و مسائل مربوط به ارتباطات اجتماعی به همراه داشته و پیامدهای این بیماری هزینه‌های بسیار گزافی را برای دولت‌ها بر جای خواهد گذاشت. افسردگی اساسی، اضطراب، اختلالات شخصیت مرزی و اختلال شخصیت ضداجتماعی جزو رایج‌ترین تشخیص‌های روان‌پزشکی در میان افراد معتاد است (ساکونپونگ، چوکوم و تافاند^۵، ۲۰۱۶).

یکی از چالش‌های فراروی متخصصانی که در حوزه وابستگی به مواد فعالیت می‌کنند، بالا بودن میزان عود در این اختلال است (رامو، پرنس، روئسچ و براون^۶، ۲۰۱۲). عود مسئله‌ای است که پدیده اعتیاد را پیچیده‌تر و دشوارتر می‌سازد. با وجود پیشرفت در درمان اعتیاد، عود مجدد و استفاده از مواد، یک مشکل جدی در درمان است (کلی، هوپنر،

1. Breslau, Hao, Bing, Pacula, Burns, & Stein
2. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)
3. Fedotov

4. Özdel, & Ekinci
5. Sakunpong, Choochom, & Taephant
6. Ramo, Prince, Roesch, & Brown

آربانوسکی و اسلای ماکر^۱ (۲۰۱۱). در مطالعات مختلف میزان عود و بازگشت به مواد مخدر ۷۵ درصد در شش ماه اول سال نشان داده‌اند (تام، شیک و لام^۲، ۲۰۱۶؛ ویتکیویتز، بوئن، دوگلاس و هسو^۳، ۲۰۱۳). حتی تأثیر گذارترین درمان‌های روان‌شناختی نیز با عود حدوداً ۷۰ درصد در پیگیری‌های بعد از درمان رابطه دارند (مولر و پائولوز^۴، ۲۰۱۷). برای مقابله با عود و پیشگیری از آن مدل‌ها و رویکردهای متفاوتی هم پیشنهاد شده است. به عنوان مثال می‌توان از مدل مارلات و گوردون (۱۹۸۵)، مدل شیفمن (۱۹۸۴، ۱۹۸۸)، مدل گورسکی (۱۹۸۹، ۱۹۹۰)، مدل آنیس (۱۹۹۰، ۱۹۸۶)، مدل فرانظری تغییر پروچاسکا و دیکلمنته (۱۹۸۲، ۱۹۸۶) و مدل ماتریسی راوسن نام برد (نقل از اختیاری، ۱۳۸۹). با این همه، مدل‌های ارائه شده از موفقیت شایان توجهی در مقابله با عود برخوردار نبوده‌اند. به عنوان مثال مارلات و گوردن (۱۹۸۵) احتمال بازگشت به مواد مخدر را در خوشبینانه‌ترین شکل تا ۵۰٪ پیش‌بینی کرده‌اند؛ به نظر آن‌ها این احتمال تا ۹۰٪ نیز متغیر می‌باشد (نقل از کریمیان، ۱۳۹۰). یکی از انتقادات وارده بر مدل فرانظری این است که اکثر مطالعات انجام شده بر پایه آن، به صورت مقطعی هستند. برای درک درست تغییر رفتار که طبق تعریف مدل فرانظری تغییر رفتار در طی زمان رخ می‌دهد- به مطالعات طولی نیاز است (قربانی، ۱۳۸۷). کوب (۲۰۰۰؛ به نقل از هدایتی، ۱۳۸۴) نیز تخمین می‌زند که ۸۰ درصد معتادانی که دوره سم‌زدایی را با موفقیت پشت سر گذارده‌اند، ظرف مدت یک سال و یا کمتر، به مصرف مجدد مواد روی می‌آورند و تنها ۲۰ درصد از آن‌ها بهبودی خود را پس از سم‌زدایی ادامه می‌دهند. بررسی‌های دیگر نیز نشان می‌دهند ۲۰ تا ۹۰ درصد معتادانی که تحت درمان قرار می‌گیرند، دچار بازگشت می‌شوند.

در تمامی رویکردهای پیشگیری از عود سوء مصرف مواد، به نقش زبان توجهی نشده است. با توجه به این که زبان نقش مهمی در تحلیل وقایع، حل مسئله و مانند آن ایفا می‌کند. رابطه زبان، تفکر و جهان‌بینی انسان و چگونگی تاثیر و تاثر آن‌ها بر یکدیگر همواره عرصه‌ای پر جاذبه برای دانشمندان به ویژه فلاسفه، روان‌شناسان و زبان‌شناسان بوده است.

1. Kelly, Hoepfner, Urbanoski, & Slaymaker
2. Tam, Shik, & Lam

3. Witkiewitz, Bowen, Douglas, & Hsu
4. Moeller, & Paulus

زبان است که به جهان درون و بیرون ساخت می‌دهد و کارکرد آن به گونه‌ای است که خود را وارد ساز و کار شناختی می‌کند. زبان نه تنها در نقش وسیله برای شناخت عمل می‌کند بلکه در نقش واسطه‌ای فعال نیز وارد کار می‌شود و در تقطیع، آرایش و پردازش اطلاعات و به طور کلی در ساخته و پرداخته شدن ذهن اثر می‌گذارد. (موسولف، ۲۰۱۷).

همچنین زبان و گفتار امروزه مبنای نظریه ساخت‌گرایی اجتماعی نیز قرار گرفته است. در این نظریه اعتقاد بر این است که نوع و نحوه زبان و گفتار افراد در جامعه بر مسائل اجتماعی، روانی، فرهنگی و اقتصادی اثرگذار است و از طریق تغییر در گفتار افراد و درونی کردن آن‌ها، تغییر در ارزش‌های فردی و اجتماعی رخ می‌دهد (فرکلاف، ۲۰۰۰).

در نظریه ساخت‌گرایی اجتماعی دسترسی ما از واقعیت همواره از طریق زبان است و ما از طریق زبان واقعیت را خلق می‌کنیم (ملکی، ۱۳۹۱). نظریه گفتمان لاکلا و موفه، نظریه‌ای به تمام معنا پس‌ساخت‌گرایانه است؛ و کارایی بسیار بالایی برای تبیین چگونگی ظهور، استمرار و افول گفتمان‌ها و بررسی تعامل میان آن‌ها دارد. در واقع این نظریه قابلیت توجیه‌کنندگی شگفت‌انگیزی را برای تحولات اجتماعی دارد. گفتمان در اینجا نظام معنایی بزرگ‌تر از زبان است و هر گفتمان، بخش‌هایی از حوزه اجتماع را در سیطره خود گرفته و به واسطه در اختیار گرفتن ذهن سوژه‌ها، به گفتارها و رفتارهای فردی و اجتماعی آن‌ها شکل می‌دهند. گفتمان از نظر لاکلا و موفه نه مجموعه‌ای از احکام بلکه مجموعه‌ای از نشانه‌هاست (هاوارد، ۲۰۰۰).

مفهوم قدرت در نظریه لاکلا و موفه بسیار شبیه مفهوم قدرت نزد فوکو است. در بحث از قدرت، لاکلا و موفه به نظریه‌های فوکو در تبارشناسی نزدیک می‌شوند. قدرت، تمام فرایندها و نیروهایی که جهان اجتماعی را می‌سازند و آن را برای ما معنادار می‌کنند در بر می‌گیرد. قدرت مولد است. جهان قابل سکونت برای ما ایجاد می‌کند و ما را از شگفتی و بی‌نظمی می‌رهاند. شکل‌گیری هر هویت و جامعه‌ای محصول روابط قدرت است. به این معنا که ایجاد هر جامعه و تشبیت هر گفتمان با سرکوب و طرد غیر همراه است

(حسینی‌زاده، ۱۳۸۳). لاکلا و موفه سوژه را به موقعی‌های سوژگی که گفتمان‌ها برای خود فراهم می‌کنند، تقلیل می‌دهند و از این طریق، مفهوم سوژه خودمختار با هویت و منافع ثابت را طرد می‌کنند. هر موقعیت سوژه‌ای، از طریق روابط متمایز با موقعیت‌های سوژه‌ای دیگر ساخته می‌شود (اسمیت، ۱۹۹۸). سوژه‌ها در ساختار گفتمانی، به هویت شناخت از خود دست می‌یابند و بر اساس آن، دست به عمل می‌زنند (هاوارد، ۲۰۰۰). به نظر آن‌ها برای باز‌نمایی و تبیین یک فضای اجتماعی نیاز به ایجاد فضایی است که لزوماً وجهی استعاری و اسطوره‌ای دارد. بنابراین، دو فضا وجود دارد: فضای اجتماعی موجود و فضای گفتمانی که به صورت آرمانی ساخته شده است. حوزه اسطوره‌ای که به وسیله سوژه‌ها ساخته می‌شود شکل منطقی مشابهی با ساختار موجود ندارد، بلکه نقد و جایگزینی ساختار موجود است که ویژگی کارکرد اسطوره‌ای را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، فضای اسطوره‌ای به منزله جایگزین منطقی گفتمان ساختاری مسلط مطرح می‌شود (لاکلا، ۱۹۹۰). لاکلا و موفه مفهوم گفتمان را جایگزین مفهوم ساختار کردند. مفهوم گفتمان در عین این که حاکی از وجود ساختاری از نشانه‌ها بود که با یکدیگر رابطه داشتند، تاکید می‌کرد که ساختاربندی هرگز قادر نخواهد بود همه حالت‌های ممکن در انتساب معنا را رفع کند. همواره این امکان وجود دارد که یک گفتمان را مفصل‌بندی‌های دیگری که نشانه‌ها را به شکل متفاوتی به یکدیگر مرتبط می‌کنند، تضعیف کنند (یورگنسن، ۲۰۰۲).

چارچوب نظری این پژوهش بر نظریه گفتمان لاکلا و موفه مبتنی است. چرایی انتخاب این نظریه، به توان نظریه گفتمان لاکلا و موفه برای تحلیل مسائل اجتماعی در سطح کلان بر می‌گردد. به عبارت دیگر، نظریه گفتمان لاکلا و موفه، به منزله رویکردی گفتمانی که به اصول سازنده‌گرایی اجتماعی پای‌بند است، معتقد است شیوه گفتار ما نقشی فعال در خلق و تغییر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم و هویت‌ها و روابط اجتماعی مان دارد و این که دانش ما درباره جهان، حقیقتی عینی نیست و محصول گفتمان‌هاست. همچنین، انسان‌ها موجوداتی تاریخی‌مندند و شیوه فهم‌شان مشروط به شرایط بیرونی و تاریخی است

(قجری، ۱۳۹۲). برخی از مهم‌ترین مفاهیم و مؤلفه‌های این نظریهٔ گفتمان عبارت است از:
 ۱. هژمونی و تثبیت معنا؛ ۲. برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی؛ ۳. مفصل‌بندی؛ ۴. دال مرکزی؛
 ۵. دال تهی؛ ۶. ضدیت و غیریت؛ ۷. زنجیرهٔ هم‌ارزی؛ ۸. ساختار شکنی؛ ۹. هویت؛ و ۱۰.
 گفتمان.

هژمونی و تثبیت معنا^۱: مفهوم هژمونی در اندیشه گرامشی^۲ ریشه دارد. این مفهوم در اندیشه وی به روند تولید معنا برای تثبیت قدرت اشاره دارد و گاه از آن به رهبری اخلاقی و فکری تعبیر می‌کند. هژمونی منطق سیاسی است که به ایجاد اجماع و عقل سلیم جدید منجر می‌شود (هاوارد، ۲۰۰۰). هدف اعمال هژمونیک ایجاد یا تثبیت نظام معنایی یا صورت‌بندی هژمونیک است. هژمونیک شدن یک گفتمان به معنای موفقیت آن در تثبیت معنای مورد نظر خود است. برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی^۳: مفهوم غیرت در ذات خود با مفاهیم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی همراه است. این دو مفهوم به اشکال مختلف در عرصه منازعات گفتمانی ظاهر می‌شوند. در واقع برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و تداوم هژمونی یک گفتمان است (امیری، ۱۳۹۱). مفصل‌بندی^۴: هر عملی است که میان عناصر پراکنده ارتباط برقرار کند؛ به نحوی که هویت و معنای این عناصر در نتیجه این عمل اصلاح و تعدیل شود (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵). مفصل‌بندی نزد لاکلا و موفه کنشی است که رابطه‌ای را میان عناصر گوناگون ایجاد می‌کند؛ به گونه‌ای که هویت آن‌ها در اثر این کنش تغییر می‌یابد (تاجیک، ۱۳۷۹). دال مرکزی^۵: این مفهوم را لاکلا و موفه از لاکان وام گرفته‌اند. دال مرکزی نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند. به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، دال مرکزی می‌گویند (امیری، ۱۳۹۱). دال تهی^۶: بیانگر خلا در فضای اجتماعی است. به عبارت دیگر، نشان از امری غایب دارد. وظیفه دال‌های تهی بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است. از آنجا که این دال‌ها همواره نواقص را گوشزد می‌کنند، تولید آن‌ها سبب پویایی جامعه و سیاست می‌شود (لاکلا، ۱۹۹۴). ضدیت و

1. hegemony and meaning confirm
 2. Gramsci
 3. signify and marginalization

4. articulation
 5. nodal point
 6. empty signifier

غیریت^۱: فهم نظریه گفتمان بدون فهم مفاهیم ضدیت و غیریت ناممکن است. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند. گاه در برابر یک گفتمان، غیرهای متعدد وجود دارد که آن گفتمان از آن‌ها در شرایط گوناگون و برای کسب هویت‌های مختلف استفاده می‌کنند (سلطانی، ۱۳۸۳). زنجیره هم‌ارزی^۲: برای توجیه غیرت‌سازی لاکلا و موفه باید شیوه‌هایی که روابط غیرت‌ساز نظم‌های گفتمانی را مورد تهدید قرار می‌دهند، مشخص کرد. برای انجام دادن این کار لاکلا و موفه زنجیره هم‌ارزی را معرفی می‌کنند. کارکرد این زنجیره تولید هویت‌های هم‌ارز است که بیانی کاملاً سلبی در نظام گفتمانی دارد (قجری، ۱۳۹۲). در عمل مفصل‌بندی دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند. این دال‌ها نشانه‌های بی‌محتوایند؛ یعنی به خودی خود بی‌معنایند تا این که از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آن‌ها را از معنا پر می‌کنند ترکیب می‌شوند (دی و س^۳، ۲۰۰۳). ساختار شکنی^۴: هدف از ساختار شکنی، از میان بردن ثبات معنا و شکست هژمونی گفتمان رقیب است، زیرا شکستن ثبات معنایی یک گفتمان در نهایت به از میان رفتن هژمونی آن گفتمان منجر خواهد شد (امیری، ۱۳۹۱). گفتمان^۵: کلیت ساختاردهی شده‌ای که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان نام دارد. گفتمان‌ها از مجموعه‌ای از اصطلاحات تشکیل می‌شوند که به شیوه‌ای معنادار به هم مرتبط شده‌اند (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵). هویت^۶: در نظریه لاکلا و موفه، هویت ثابت دائمی و از پیش تعیین شده نیست. هویت‌ها را گفتمان‌ها ایجاد می‌کنند و شکل‌گیری گفتمان مقدم بر شکل‌گیری هویت‌هاست (اسمیت، ۱۹۹۸). بنابراین، هویت‌ها موقعیت‌هایی هستند که در درون گفتمان‌ها به فرد یا گروه اعطا می‌شوند (یورگنسن، ۲۰۰۲).

در این مقاله سعی شده با استناد به برخی از مفاهیم و ابزارهای زبانی لاکلا و موفه، مصاحبه‌ها تحلیل و برای هر یک از ده مورد از مفاهیم زبانی لاکلا و موفه یک دیالوگ به صورت کاملاً مشخص در ارتباط با عود به شکل نمونه اراده شود. همچنین در این مقاله به

1. antagonism and otherness
2. chain of equivalence
3. De Vos

4. deconstruction
5. discourse
6. identity

دلیل پرداخت مناسبی که از طریق مصاحبه به سوژه عود دارد، از یک سو می‌تواند نحوه ارتباط و مواجهه سوءمصرف‌کننده را در یک فضای گفتمانی از طریق مفاهیم لاکلا و موفه با عود نشان دهد. از سوی دیگر می‌تواند به تشخیص یا واکاوی مؤلفه‌های معنایی و ارزشی زبان سوءمصرف‌کنندگان بپردازد. این تشخیص می‌تواند روشی برای پیشگیری از عود در نظر گرفته شود.

تحلیل گفتمان، برخلاف تلقی ابتدایی از آن، صرفاً رویه‌ای در تحلیل یافته‌ها نیست. بلکه یک کل روش شناختی و نظری است که حاوی مفروضات هستی‌شناختی و معرفت‌شناسانه درباره نقش زبان در ساخت اجتماعی جهان است. بنابراین، آن را هم نظریه دانسته‌اند و هم روش. اثر این امر آنجا نمایان می‌شود که محقق برای استفاده از تحلیل گفتمان، به عنوان روش، ناگزیر است مفروضات فلسفی آن را نیز بپذیرد. در عین حال، این امکان برای هر محقق وجود دارد که بسته خویش را با عناصری از روایت‌های مختلف تحلیل گفتمان و حتی دیدگاه‌های تحلیلی غیر گفتمانی ترکیب کند و به کار گیرد. امکان قابلیت تلفیق در برخی از رویکردهای گفتمانی را باید یک امتیاز برای آن‌ها محسوب کرد؛ زیرا به فهم گسترده‌تری از موضوع می‌انجامد (یورگنسن، ۲۰۰۲). تحلیل گفتمان به منزله روشی شناخته می‌شود که چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی و عوامل برون زبانی (بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۲). تحلیل گفتمان در معنا کاوی ریشه دارد و قصد آن کشف معنای نهفته در پدیده‌های اجتماعی است و می‌توان گفت برای بررسی هر آنچه واجد معناست، مناسب است (رشیدی، و سعیدی، ۱۳۹۳). نخستین قدم برای تحلیل یک متن یا اثر در چارچوب تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه، شناسایی حداقل دو گفتمان متخاصم است که با هم رابطه‌ای غیرت‌سازانه برقرار کرده‌اند. گفتمان‌ها همواره به واسطه «دشمن» هویت پیدا می‌کنند و نظام معنایی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند. وجود گفتمانی که مطلقاً و به تنهایی بر جامعه‌ای حاکم باشد بر اساس این نظریه امکان‌پذیر نیست و هرگز نمی‌توان سیر تحول یک گفتمان یا نظام معنایی آن را مورد بررسی قرار داد؛ مگر آن که آن را در مقابل ساختار نظام معنایی گفتمان رقیبش قرار داد و نقاط

درگیری و تفاوت‌های معنایی را پیدا کرد. هر گفتمانی به ضرورت به گفتمان رقیب دیگری نیاز دارد تا به واسطه آن هویت یابد. هویت یابی به واسطه غیرت‌سازی و غیرت‌ها به کمک برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شکل می‌گیرند. برجسته‌ازی و حاشیه‌رانی شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت است. بدین طریق، قدرت هم به تولید معنا می‌پردازد و هم با به کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد، دشمن و غیر را حذف و طرد می‌کند. به کمک همین ساز و کار است که قدرت پس یک گفتمان با تاثیرگذاری بر ذهن سوژه‌ها به تولید اجماع و تعریف نشانه‌ها به شیوه‌های خاص اقدام می‌کند و در واقع مدلول خاصی را به دال مرکزی گفتمانی می‌چسباند و آن را هژمونیک می‌کند و هم زمان سعی می‌کند با ساختار شکنی دال مرکزی گفتمان رقیب، مدلولش را از دالش جدا کرده و هژمونی را بشکند. در حقیقت، برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی با تولید اجماع، چهره قدرت را طبیعی جلوه می‌دهد و آن را از نظرها پنهان می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۳).

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر، یک مطالعه کیفی از نوع تحلیل گفتمان است. هدف از این تحقیق واکاوی علل عود در سوء‌مصرف کنندگان مواد بر اساس مؤلفه‌های معنایی^۱ ارزشی زبان می‌باشد. در این مطالعه، با استفاده از روش تحلیل لاکلا و موفه مفصل‌بندی‌های خاص موجود در گفتمان مشخص شد. بر اساس این الگو محقق در ابتدا اقدام به جمع‌آوری توصیفات و قرائت‌های مشارکت کنندگان پیرامون علل عود با استفاده از مصاحبه ساختار نیافته نمود. از میان مصاحبه‌ها ابتدا واژگان اصلی استخراج شد. منظور از واژگان اصلی آن واژگانی است که مصاحبه‌شوندگان بر آن تاکید داشتند (از طریق تکرار یا لحن شخص). در این تحلیل توجه به دال‌های به کار رفته در متن مصاحبه بسیار ضروری است. این که دال‌های مرکزی کدامند، معرف خط اصلی گوینده است و جان کلام مصاحبه از آن استخراج می‌شود. منظور از جان کلام جمله یا عبارتی است که معنای اساسی به آن تکیه دارد، سپس پیش فرض‌های گوینده استخراج می‌شوند. در مرحله تفسیر پیش فرض‌های گوینده که نشان دهنده افکار قالب اوست و پیش داوری‌های زیر ساخت

استدلال و استنتاج وی را شکل می دهد، مورد تحلیل قرار گرفت. هدف از این تحلیل پی بردن به لایه های زیرین یا اهداف واقعی گوینده و سپس مشخص کردن قطب بندی ها است. نهایتاً در مرحله تبیین رابطه گفتمان با گفتمان حاکم بر جامعه مورد بررسی قرار گرفت. به این معنا که این گفتمان چه رابطه ای با گفتمان حاکم بر جامعه دارد.

مشارکت کنندگان در این تحقیق عبارت بودند از ۱۵ نفر از افرادی که به مراکز درمانی شهر اصفهان به شکل خود معرف مراجعه کرده بودند و در طول درمان بالای دو بار لغزش داشتند که به روش نمونه گیری هدفمند^۱ انتخاب شدند. بعد از ۱۱ مصاحبه پژوهش گر به اشباع رسید یعنی از مصاحبه شونده یازدهم به بعد هیچ شاخص دیگری به عوامل تشکیل دهنده مؤلفه های معنایی-ارزشی زبان اضافه نشد؛ اما پژوهش گر به منظور اطمینان بیشتر فرایند مصاحبه را تا ۱۵ نفر ادامه داد. این مصاحبه ها با تأییدیه گرفتن از اعضاء ضبط شدند و بعد از انجام مطالعه نمونه بر روی چهار فرد، با در نظر گرفتن جمع بندی نظر چهار متخصص (روان شناس و مشاور) از روایی محتوا اطمینان حاصل شد. همچنین در حین انجام مصاحبه پژوهش گر با پرسش سؤال های راهنما، صحت برداشت خود را از گفته های مصاحبه شوندگان کنترل کرد. نیز برای تأیید اعتبار محتواهای استخراج شده و تأیید استحکام و مقبولیت از جنبه درگیری مستمر ذهنی با داده ها برای افزایش وسعت، عمق و تلفیق اطلاعات از مرور دست نوشته ها توسط مشارکت کنندگان استفاده شد.

یافته ها

در پژوهش حاضر شاخص ها و مؤلفه های ده گانه لا کلا و موفه مورد استفاده قرار گرفتند. ۱- هژمونی و تثبیت معنا: هژمونی به ایجاد اجماع و عقل سلیم جدید منجر می شود. بر این اساس، سوء مصرف کنندگان مواد در جریان زندگی به افرادی تبدیل شده اند که قادر به ترک نبوده و مرتباً لغزش داشته اند، لذا آنان سعی می کنند از هژمونی مورد نظرشان دفاع کنند. دیالوگ های ذیل مرتبط با این مفهوم است.

- چند تا را می‌شناختم که مصرف کننده بودن. تو ذهنم به خودم می‌گفتم اینا حال شون از من بهتره مصرف- شون رو دارن، خوش می‌گذرونن، لذت می‌برن، من که هیچی ندارم (س).
- مشکلات و اعصاب خوردی باعث شد که مصرف کنم (م).
- مورفین را دوست دارم، فکر می‌کنم انرژمی می‌گیرم، سر حال تر می‌شم (ح).
- در زندگی تنها شدم، با مواد آشنا شدم فکر کردم خلاءهام رو پر می‌کنه، دیگه احتیاج به کسی ندارم، خوشحال بودم و نسبت به گذشته و آینده بی‌تفاوت می‌شدم و از این بی‌تفاوتی لذت می‌بردم (م).
- می‌کشی تا آرام بشی، آرامم می‌کنه، برای اینکه بیدار بمونم و کار کنم (ا).
- مشکلات زندگی باعث شد که مواد مصرف کنم، ناامیدی، خستگی، اعصاب خوردی (ع).
- برای فراموشی و لذت طلبی مواد مصرف می‌کنم (ع).
- فقط لذت مواد تو ذهنمه (ع).
- با مصرف مواد تنهایم پر نمی‌شه ولی بی‌تفاوت می‌شم و شرایط زندگیم آزارم نمی‌ده (ای).
- سرکار خسته می‌شم، وقتی مصرف می‌کنم کمردرد اذیت نمی‌کند (ا).

۲- برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی: هدف از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، حفظ و

استمرار قدرت و تداوم هژمونی یک گفتمان است. سوء مصرف کنندگان مواد در مصاحبه سعی می‌کنند از سوژگی و معنای خود از مواد در قبال عنصر مرجع حاکم (خانواده، جامعه، مشاور و ...) که می‌خواهند آن‌ها را به حاشیه برانند، دفاع کنند. دیالوگ‌های ذیل مرتبط با این مفهوم است.

- به زور که کسی رونمی‌شه ترک داد، وقتی مواد مصرف می‌کنی مثل چادری می‌مونه که روی همه چیز می‌کشی و نمی‌بینی، از اینکه هیچی احساس نمی‌کنی لذت می‌بری، من این بی‌تفاوتی را دوست دارم (ح).
- خانوادهام شاکی شدن منو برای ترک آوردن، راستش هیچ برنامه‌ای برای ترک ندارم (م).
- وقتی فکر می‌کنم که اعصابم خرد بشه، ارتباطم با انجمن قطع بشه، مشکل پیدا کنم نمی‌دونم تو این شرایط می‌رم طرف مواد یا نه (ع).
- من تو هیچ کدوم از ترکام تصمیمی نداشتم، چه زمان مصرف چه زمان ترکم، هیچ تغییری نکردم (س).
- زیاد ترک کردم ولی چهار بارش جدی بود، کمپ رفتم، خونه خوابیدم، خانم دکتر اینقدر آدم تو زندگیش مشکلات داره که به این فکر نمی‌کنه چرا دوباره لغزش می‌کنه (م).
- الان به خاطر بابام اینجام، بابام اشک تو چشاش جمع شد و گفت صدافندک که از تو اتاق میاد قلبم درد می‌گیره (ح).

- من از آشفتگی اینجام، دنیا به جنگله به تموم معناس، به کابوس و خواب، از اون خاطره خوبی ندارم، سهم من درد و رنجه (م).
- وقتی مکان یا شخصی رو می بینم که قبلاً در آنجا یا با اون مصرف کرده بودم، غیر از موادهیچی به ذهنم نمی رسه، فکر هیچ جارو نمی کنم، فقط ساقی که برم مصرف کنم (ا).
- بعد از ترکم زود نا امید می شم و خسته، تحمل شرایط رو ندارم میرم مصرف می کنم (ع).
- وقتی مواد دیگه بهم حال نمی ده یک ترک موقت می کنم تا مواد بیشتر بهم بچسبد (ا).
- وقتی به مواد فکر می کنم اصلاً نمی تونم به چیزای دیگه مثل عجز مواد فکر کنم (م).
- وقتی افراد مصرف کننده را می بینم یا مکان را می بینم غیر از موادهیچی به ذهنم نمی رسه، فقط ساقی (ای).

۳- مفصل بندی: سوء مصرف کنندگان مواد شخصیت هایی هستند که در کنش هایشان، ادراک کنترل مدار نسبت به رفتار خود نداشته و در تفکر و به طور کلی باور و نگرش خود به عنوان فردی نا کارآمد مفصل بندی می شوند. دیالوگ های ذیل مرتبط با این مفهوم است.

- دنیا جای خوبی نیست، هر چقدر هم زرنگ باشی، بلا سرت در میان (ح).
- راستش هیچ برنامه ای ندارم، نمی دونم چکار کنم (م).
- آدما به من آسیب رسوندن، من آدم ضعیفی هستم، از پس اونابر نیام، منو گول می زنن (ع).
- بعضیا می خوان با من دشمنی کنن، می خوان پاک نمونم، هر جور می هست به من ضربه بززن، نمیخوان رشد و ترقی منو ببینن (س).
- دنیا برای من بد بود، خودمو قبول ندارم، نه گذشته خوبی داشتم و نه آینده خوبی (م).
- این سری می خوام تسلیم باشم، تسلیم بابام، بگه بشین بشینم، باشو پاشم (ج).
- من بدبختیاشو کشیدم، چرا بقیه به راحتی پول در بیارن، شروع کردم به خلاف کردن و جنس فروختن (م).
- فکر مواد، آدمو دیونه می کنه، تو حال خودم به چیز دیگه ای نمی تونم فکر کنم می گم فقط به بار (ا).
- عقلم درست کار نمی کنه، اصلاً امیدی ندارم، همه چیزمو باختم. از دنیا لذتی نمی برم (ع).

۴- دال مرکزی: شخص، نماد یا مفهومی است که سایر دال ها حول محور آن جمع و مفصل بندی می شوند. سوء مصرف کنندگان مواد عمل گرایی مبتنی بر تثبیت معنایشان از مواد به مثابه دال مرکزی محسوب می شود و در همه امور آن را سر لوحه کارشان قرار می دهند. دیالوگ های ذیل مرتبط با این مفهوم است.

- تهیه کردن، پنهان کردن و پولش بعضی مواقع آدمو کلافه می کنه، بعد که می کشی، بی تفاوت میشی، من همیشه تو تر کام برای همین مصرف می کنم که چیز یونفهمم (ح).
- می خوام تو روی خانمم شرمنده نباشم، به خاطر همون مسائل جنسی (م).
- می خواستم صبر و تحملمو بالا ببرم و تو مشکلات آدما گیر نیفتم مثل دروغ و غیبت و ... (ع).
- وقتی فکر مصرف می کنم، اصلاً نمی تونم به چیزهای دیگه مثل عجز مواد فکر کنم، فقط لذت مواد تو ذهنمه (س).
- من همش تنهام، حتی با خانواده ام ارتباطی نداشتم، کاری بهشون ندارم، خیلی ناامیدم، همیشه تا یاد دارم اینطوری بودم (م).
- من همیشه تنهام، در این ۲۸ سال به دوستم نداشتم، فکر می کردم مواد مصرف کم سر حال ترمی شم (ح).
- زمان مفید زندگیم رفت، من فقط تو فکر این بودم که چطوری مواد تهیه کنم، همش انگاریه خالداشتم، می خواستم لذت ببرم، می خواستم تنهایی رو از بین ببرم ولی نمی شد (م).
- بیشتر اطرافیانم تو مصرف من نقش داشتن (ا).
- شاید درست نشم چون عقل سالمی ندارم، به نظرم عادت کردم به اینجور زندگی (ع).
- یاد گرفتم تو خوشی و عزامواد مصرف کنم (ای).
- وقتی مواد مصرف می کنم می تونم کار کنم و حرف بزنم (م).

۶۷

67

۵- دال تهی: وظیفه دال های تهی بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است. در فضای زندگی سوء مصرف کنندگان مواد، حس صمیمیت، اعتماد و حمایت به مثابه یک دال تهی عمل می کند. دیالوگ های ذیل مرتبط با این مفهوم است.

- از آدما بدم می یاد، حرصم می گیره، نمی خوام باهاشون باشم، همه می خوان ضربه بزنن (ح).
- من از پس آدما بر نیام، گولم می زنن (ع).
- فقط منو چک می کنن. آرزوی مرگ منو دارن، چند بار تو روم گفتن. به کسی اعتماد ندارم (س).
- من آدم به درد نخوریم، حتی با خانوادمم رابطه ای ندارم (م).
- آدما ظاهرشون با باطنشون فرق داره، همه رفیق روزای خوشحالتین، دچار مشکل می شی ازت فاصله می گیرن (م).
- هیچ کس پذیرش منو نداشت، از من سیر شده بودن، انتظار دارم در حال سقوط هستم، دست منو بگیرن (ا).
- من چیزای مهمی رو تو زندگیم از دست دادم که دیگران دارن، خانوادمم زندگی خودشون می کنن و به من کاری ندارن (ع).
- بعضی وقتا کفر می گم به دیگران، نمی تونم بگم به خدا می گم (م).

۶- ضدیت و غیریت: گفتمان‌ها در ضدیت و غیریت با هم شکل می‌گیرند. در اکثر سوءمصرف کنندگان مواد یکی از والدین یا همسر یا راهنما به‌عنوان نمادی از مرجعیت خانواده و جامعه سعی دارند ضدیت و غیریت خود را با گفتمان به آنان نشان دهند. دیالوگ‌های ذیل مرتبط با این مفهوم است.

- هیچ کدوم از تر کام واقعی نبود، می‌خواستم با مامانم لجبازی کنم، به زور کسی رو نمی‌شه ترک داد (ح).
- دیشب بابام با کمر بند باهام درگیر شد. گفت یا باید ترک کنی یا این که اینقدر می‌زنمت تا بمیری؛ ناچاراً قبول کردم (س).
- این ۱۷ روز که اینجام به فکر مواد نبودم به فکر اشک پدرم بودم؛ دیگه بسه (ح).
- راهنمایی داشتم بهم گفت تو فراموش کاری، زجر مواد رو فراموش می‌کنی، لذت‌طلبی، زیاده‌خواهی، سعی کردم رو بدبختی و فلاکتی که کشیدم کار کنم (م).
- با خانمم مشکل داشتم به‌خاطر لجبازی با اون مصرف می‌کردم، الان دیگه خانمم رفته اوادم ترک کنم (ا).
- زنم و کارمو به‌خاطر اعتیاد از دست دادم. الان برای به‌زندگی بهتر می‌خوام ترک کنم (ع).

۷- زنجیره هم‌ارزی: شخصیت سوءمصرف کنندگان مواد توسط آنان در مصاحبه در زنجیره هم‌ارزی از مفاهیمی چون احساس عدم ارزش‌مندی، تحقیر خود، خودکنترلی ضعیف، خودپنداره منفی و در مجموع با شدت ناآرزنده‌سازی خود تعریف می‌شود. دیالوگ‌های ذیل مرتبط با این مفهوم است.

- هیچی خودمو قبول ندارم (ح).
- ما معتادا کلمون خرابه به محض اینکه کلمون خالی می‌شه به تنها چیزی که فکر می‌کنیم ماده (ع).
- آدم ضعیفی هستم، بی‌فکرم، عجولم، بقیه می‌تونن نظر منو عوض کنن (س).
- من خودمو قبول ندارم به آدم به درد نخورم (م).
- من منزوی و گوشه‌گیرم؛ چند روز در خونه رو نمی‌دیدم (ح).
- من چیزی ندارم، بدشانسم، ناکامم، بی‌مصرفم، من عادت کردم فقط مشکلاتم را بشناسم، فقط نردیون دیگرانم (م).
- زود باورم، عجولم، بی‌مسئولیتیم، بی‌خیالم، از آدما ناامیدم، اونا چشم دیدن منو ندارن (ا).
- کم عقلم، خودمو قبول ندارم، ضعیفم، عقلم درست کار نمی‌کنه، آدما با من فرق دارن (ع).
- هیچ تغییری نمی‌کنم (م).
- کسی منو قبول ندارد (ا).

۸- **ساختار شکنی:** برای از بین بردن هژمونی و سلطهٔ یک گفتمان باید ثبات معنایی آن را از بین برد تا زمینه تغییر فراهم آید. در سوء مصرف کنندگان مواد شرکت کننده در این پژوهش تنها چهار نفر در پایان مصاحبه به ساختار شکنی معنای تثبیت شده خود اقدام می کنند. دیالوگ های ذیل مرتبط با این مفهوم است.

- یک زمانی تحت اجبار مواد بودم، الان این منم که به روزم دستور می دم، کنترل می کم که دوباره چرخه شروع نشه (م).
- برام دیگه مواد مهم نیست، ۱۳ روز عید بیرون بودم مصرف کننده هم دیدم اما مصرف نداشتم، دیگه مواد برام نقشی نداره (ا).
- سعی می کنم ترکم را به هر قیمتی شده حفظ کنم (ع).
- من به آرزو هام رسیدم دلیلی برای مصرف ندارم (م).

۹- **گفتمان:** مجموعه ای از اصطلاحات است که به شیوه ای معنادار به هم مرتبط شده اند. در این مصاحبه ها همه معنای ذهنی گفتمان پژوهشگر (روان شناس) حول محوریت نقش خود سوء مصرف کنندگان مواد در انتخاب مواد شکل گرفته است (دال هایی که در بیرون محیط گفتمانی قرار دارند می توانند به عنوان موارد خامی برای مفصل بندی های جدید به کار روند).

- مثل یه دایره خود تو داخلش انداختی داری مرتب می چرخ می و سرت گیج میره و فکر می کنی چیزی رو متوجه نمی شی؟ (ح).
- فکر کنم اینکه نمی دونی چکار کنی دلیل اینکه برای ترک تصمیمی هنوز نگرفتی (م).
- نقش شما تو ارتباطتون با مواد چیه شاید نقش مواد از نقش شما بیشتر است (ع).
- انتظار داری وقتی ترک می کنی چه اتفاقی بیفته، پول و اعتماد دو تا چیزیه که قبلاً به خاطر شون رفتی مصرف کردی الان به چیز دیگه ای فکر نمی کنی؟ (س).
- فکر می کنید آدم های دیگه تو برگشت های شما نقش دارن، خودتون چطور (م).
- مواد تو رو منزوی و گوشه گیر کرده بود و اگر تو خودت بخای فعال بشی راحت تر با اینکه این انتظار رو از مواد دشته باشی (ح).
- بیشترین انگیزه شما برای مصرف مواد این بود که تنهایت را پر کنی، بی تفاوت بشی، الان هم از خودت انتظار داری که بی تفاوت بشی؟ بی تفاوت بودن و به فکر آینده نبودن قشنگه؟ (م).
- مواد آرومت می کنه یا بی تفاوت؟ منظورت را نمی فهمم نقش خودت رو در مصرف مواد چطور می بینی؟
- به نظرت این عدم موفقیت های شما برای این نبود که تصمیم جلدی برای ترک نداشنی؟ (ا).
- کشیدن برا این که سرپوش رو مشکلاتت بگذاره تازه داره کار را خراب می کنه (ع).

۱۰- **هویت:** موقعیت‌هایی هستند که در درون گفتمان‌ها به فرد یا گروه اعطا می‌شوند. سوءمصرف کنندگان مواد برای اینکه مورد بازخواست عنصر مرجع گفتمان قرار نگیرند، هویت فردی منفعل و تسلیم‌پذیر از خودشان نشان می‌دهند (هویت امری گفتمانی است که گفتمان به افراد اعطا می‌کند و موقت، نسبی و ناپایدار است). دیالوگ‌های ذیل مرتبط با این مفهوم است.

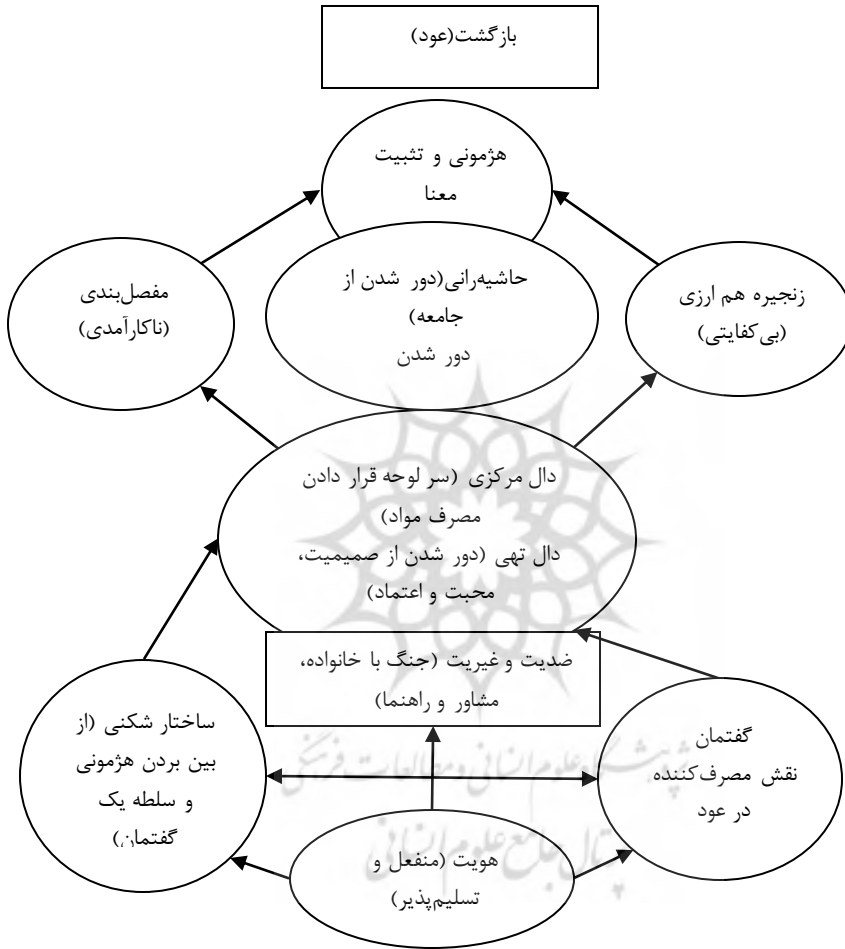
- آره شاید این طوره که می‌گید باید کنار گذاشت ولی کاری نمی‌شه کرد (ح).
- نمی‌دونم، دلم می‌خواد زود ترخیص بشم (م).
- شاید باید رهاش کنم، ولی کار سختیه، باید مبارزه کنم، به کمی اراده و به جو غیرت، همونی که شما می‌گید نقش مواد کمتر می‌شه (ع).
- نه فکر کنم همین دو تا باشه، به چیز دیگه هم هست، من فقط لذت مواد تو ذهنمه (س).
- من اصلاً به آدمای دور و برم کاری ندارم، این دفعه می‌خوام درست بشه؛ خسته شدم (م).
- می‌گفتن باید خودش بخواد، تا اینکه گفتم بسم الله (ح).
- نه تنها پیام پر نمی‌شه، لذت نمی‌برم ولی بی تفاوت می‌شم، الان نمی‌خوام بی تفاوت باشم، فکر آینده و حالا (م).
- اینم می‌شه، چون بعضی مواقع مواد بهم حال نمی‌داد می‌گفتم بگذار به فیلتری عوض کنم تا مواد رایتر احساس کنم (ا).
- بله درست می‌شه اما من چاره‌ای نداشتم، اصلاً امید نداشتم (ع).

بحث و نتیجه‌گیری

لاکلا و موفه معنادار بودن هر پدیده و عملی را در گرو گفتمانی بودن آن پدیده می‌دانند و معتقدند که هر پدیده و سوژه‌ای هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته می‌گیرد و این در نظریه لاکلا و موفه، یعنی گفتمان‌ها، تنها مسیر شناخت انسان‌ها به سوی جهان‌اند. در نگاه لاکلا و موفه قدرت ناشی از گفتمان‌ها، نظام معنایی مختص خود را شکل می‌دهد که این نظام‌های معنایی همه سوژه‌ها و هویت‌ها را در چارچوب گفتمانی خود تحت الشعاع قرار می‌دهند؛ امری که در تحلیل مصاحبه‌ها نمایان بود. مثلاً در مصاحبه با سید جواد، امیر، علی و محسن آن‌ها را به مثابه سوژه‌ای می‌یابیم که تحت تاثیر گفتمان سنتی حاکم بر جامعه و خانواده خود هستند و هویت آن‌ها در ارتباط با عودهای مکررشان از سوی

گفتمان خانوادگی به چالش کشیده می‌شود. سوژگی مصرف کننده بودن در مورد آزادی‌های فردی و اجتماعی تحت فشارهایی که از سوی عنصر مرجعیت خانواده‌اش بر آن‌ها وارد می‌شود به چالش کشیده شده و استقلال‌شان در فضای گفتمانی زندگی پیرامونش به حاشیه رانده می‌شود. در مصاحبه با امیر، حسین و علی که نمی‌توانند در برابر گفتمان اجتماعی حاکم بر جامعه (که دادگاه نمادی از آن است) از خوددفاع کنند؛ در برابر برخوردهای اطرافیان از خود استیصال نشان می‌دهند و دائم در حال بازخواست شدن هستند. در مصاحبه با حسین، عباس، ایوب، سید جواد و علی مشخص شد که با توجه به گفتمان حاکم در جامعه سوء مصرف کنندگان مرتب دچار لغزش شده و به حاشیه رانده شده‌اند و هویتی تسلیم‌پذیر در برابر مصرف کنندگان دارند. با ضدیت و غیریت در برابر خانواده و اجتماع از هژمونی خود که همان مصرف مواد است دفاع می‌کنند. همچنین در مصاحبه با محسن، محمد، علی و محمد به دلیل فعالیت در فروش مواد و مصرف کننده بودن (زنجیره هم‌ارزی) از سوی مراجع حاکم به چالش کشیده شده و با نا کارآمدی به حاشیه رانده شده‌اند. با این توضیحات می‌توان گفت، گفتمان و ارزش‌های زبانی سوء مصرف کنندگان تحت تاثیر تغییرات و دگرگونی‌هایی است که در جامعه برای آن‌ها به وجود می‌آید. به همین دلیل است که سوژگی عود در ارتباط‌شان با گفتمان حاکم بر جامعه به چالش کشیده می‌شود، و در چنین شرایطی که جامعه از مولفه‌های ارزشی معنایی زبان سوء مصرف کنندگان حمایت و پشتیبانی نمی‌کند، هرگونه استقلال طلبی فردی و ابراز هویت از سوی آن‌ها، که مغایر با اصول و ارزش‌های جامعه دانسته شود، به حاشیه رانده و با آن مقابله می‌شود. در این پژوهش با هدف واکاوی عود سوء مصرف کنندگان مبتنی بر مولفه‌های معنایی ارزشی زبان مشخص شد: سوء مصرف کنندگان با هویت منفعل و تسلیم‌پذیر تحت تاثیر گفتمان حاکم در جامعه مصرف کنندگان به ساختار شکنی و از بین بردن هژمونی گفتمان حاکم در جامعه می‌پردازند و در جنگ (ضدیت و غیریت) با مراجع حاکم مثل خانواده، مشاور و راهنما به دال مرکزی خود که همان سرلوحه قرار دادن مصرف مواد پناه برده و با شکل گرفتن دال تهی که همان دورشدن از صمیمیت، محبت و اعتماد است با نا کارآمدی، دور و بی‌کفایت شدن در جامعه به مصرف مجدد مواد و تثبیت

معنای مصرف روی می آورند. در شکل زیر می توان مدل عود بر اساس مولفه های معنایی ارزشی زبان را مشاهده کرد.



۷۲
72
سال دوازدهم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۷
Vol. 12, No. 46, Summer 2018

شکل ۱: واکاوی عود سوءمصرف مواد مبتنی بر مولفه های معنایی - ارزشی زبان

منابع

امیری، فاطمه (۱۳۹۱). گفتمان بازگشت و بازتاب آن در سینمای دهه هشتاد شمسی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان، دانشگاه کاشان.
تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: نشر فرهنگ گفتمان.

جعفری، امیرمحمد؛ امیدی، محسن و فهیمی، صمد (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای ذهن آگاهی و تنظیم هیجان در افراد مصرف کننده مواد مقاوم به درمان. *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*، ۲۷ (۱)، ۶۲-۷۰.

حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۳). نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. *پژوهش‌های علوم سیاسی*، (۲۸)۷، ۲۱۲-۱۸۱.

رشیدی، ناصر و سعیدی، اصمغان (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان انتقادی برای چارچوب تحلیلی ون دایک و ون لیون. *مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۱۸(۳۲)، ۱۰۰-۱۲۶.

سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. *پژوهش‌های علوم سیاسی*، (۲۸)۷، ۱۵۳-۱۸۰.

قجری، حسینعلی و نظری، جواد (۱۳۹۲). *روان‌شناسی اجتماعی: کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی*. تهران: نشر جامعه‌شناسان.

قربانی، مجید (۱۳۸۷). پیشگیری از عود مروجی بر مدل رفتاری^۰ شناختی مارلات. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۲(۷)، ۹۱-۱۱۴.

لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۲). درآمدی به سخن کاوی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۰(۱)، ۴۲-۳۱.

کریمیان، نگار (۱۳۹۰). اثربخشی مدیریت استرس به شیوه شناختی رفتاری بر پیشگیری از عود مردان وابسته به مواد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۵(۲۰)، ۷۳-۸۶.

نمازیور، جواد؛ رادفر، مولود؛ قوامی، هاله و شیخی، ناصر (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی مدل مراقبت پیگیر بر لغزش و اشتیاق بیماران تحت درمان نگره‌دارنده با متادون. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، ۱۵(۲)، ۱۳۸-۱۲۷.

هدایتی، نرگس (۱۳۸۴). *بررسی ویژگی‌های فردی محافظت کننده در برابر اعتیاد در معتادان گمنام (NA) شهرستان شیراز*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لویز (۲۰۰۲). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی تهران: انتشارات نی.

هادی ملکی، صمد (۱۳۹۱). *بررسی و مقایسه مفهوم معنا در معناشناسی زبان‌شناختی و سنت مطالعه هرمنوتیک*. پایان‌نامه ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

Breslau, J., Hao, Y., Bing, H., Pacula, R. L., Burns, R. M., & Stein, B. D. (2017). Did the dependent coverage expansion increase risky substance use among

- young adults? *Drug and alcohol dependence*, 178, 556-561. DOI: 10.1016/j.drugalcdep.2017.06.017.
- De Vos, P. (2003). Discourse theory and the study of ideological (Trans) formations: Analyzing social democratic revisionism. *International Pragmatics Association (IPrA)*, 13(1), 163-168.
- Fairclough, N. (2000). Discourse, social theory, and social research: The discourse of welfare reform. *Journal of sociolinguistics*, 4(2), 163-195.
- Fedotov, Y. (2016). *World Drug Report 2016*. United Nations Office on Drugs and Crime: 2016 ISBN: 978-92-1-148286-7. New York.
- Kelly, J. F., Hoepfner, B. B., Urbanoski, K. A., & Slaymaker, V. (2011). Predicting relapse among young adults: Psychometric validation of the advanced warning of relapse (AWARE) scale. *Addictive behaviors*, 36(10), 987-993.
- Howarth, D. (2000). *Discourse*. UK: Open University Press.
- Laclau, E. (1990). *New Reflection on the Revolution of our Time*. London: Verso.
- Laclau, E. (1994). *The making of Political Identities*. London: Verso.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a radical democratic politics*. London: Verso.
- Marlatt, G. A., & Gordon, J. R. (1985). *Relapse Prevention: Maintenance Strategies in the treatment of behaviors*. New York: Guilford press.
- Moeller, S. J., & Paulus, M. P. (2017). Toward biomarkers of the addicted human brain: Using neuroimaging to predict relapse and sustained abstinence in substance use disorder. *Progress in Neuro-Psychopharmacology and Biological Psychiatry*, 80, 143-154. DOI: 10.1016/j.pnpbp.2017.03.003.
- Musolf, A. (2017). Metaphor, irony and sarcasm in public discourse. *Journal of Pragmatics*, 109, 95-104. DOI: 10.1016/j.pragma.2016.12.010.
- Özdel, K., & Ekinci, S. (2014). Distress intolerance in substance dependent patients. *Comprehensive psychiatry*, 55(4), 960-965.
- Ramo, D. E., Prince, M. A., Roesch, S. C., & Brown, S. A. (2012). Variation in substance use relapse episodes among adolescents: A longitudinal investigation. *Journal of substance abuse treatment*, 43(1), 44-52.
- Smith, A. M. (1998). *laclau and Mouffe: The radical democratic imaginary*. London: Routledge.
- Sakunpong, N., Chochom, O., & Taephant, N. (2016). Development of a resilience scale for Thai substance-dependent women: A mixed methods approach. *Asian journal of psychiatry*, 22, 177-181.
- Tam, H. L., Shik, A. W. Y., & Lam, S. S. L. (2016). Using expressive arts in relapse prevention of young psychotropic substance abusers in Hong Kong. *Children and Youth Services Review*, 60, 88-100.
- Witkiewitz, K., Bowen, S., Douglas, H., & Hsu, S. H. (2013). Mindfulness-based relapse prevention for substance craving. *Addictive behaviors*, 38(2), 1563-1571.